



مرکز آینده پژوهی جهان اسلام
Islamic World Future Research center
تاریخ مجوز رسمی به شماره ۱۰۰۴۸۶ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

گزارش ویژه

جنبه‌های سلبی و ایجابی کریدور زنگزور برای منافع ملی ایران



CIWFS

مرکز آینده پژوهی جهان اسلام

تابستان ۱۴۰۴

"جنبه‌های سلبی و ایجابی کریدور زنگزور برای منافع ملی ایران"

علی حسنی، پژوهشگر حوزه کریدورها

مقدمه

ایده‌ی کریدور یا دالان زنگزور و احداث چنین کریدوری مباحث بسیاری را از مدت‌ها پیش تا به امروز در داخل کشور به همراه داشت و سطح واکنش‌ها به تاسیس چنین کریدوری بسیار بالا بود. قطعاً و با توجه به این حجم بالا از مباحث، گفته‌ها و یادداشت‌هایی که در پی ایجاد این کریدور نضج گرفت، به همه‌ی جنبه‌های سلبی و منفی این کریدور علیه منافع ملی ایران حداقل اشاره‌ای گذرا شده است و ما ادعای کشف جدیدی نداریم؛ به‌جز چارچوب نظری جدید به‌کار رفته در ابتدای بحث که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. در این یادداشت سعی بر این است که همه‌ی این جنبه‌های سلبی را یک به یک اشاره و به‌صورت یکجا بیاوریم و آنها را شرح و بسط دهیم. البته از میان این جنبه‌های سلبی، هدف صرفاً اشاره به جنبه‌های بالقوه و بالفعل (جنبه‌های احتمالی) است و به‌دنبال ارائه‌ی نظریه‌های توطئه‌محور، رادیکال و ایده‌های توطئه‌ای از طرف دولت، جهان و یا قوم خاصی نیستیم.

اما در ابتدا باید به این نکته اشاره شود که آنچه سبب این حجم بالا از واکنش‌ها نسبت به احداث چنین کریدوری شد، این است که این ایده توسط کشورهای تُرک و تُرک‌ها سازماندهی و قرار است به‌کار گرفته شود؛ کشور ترکیه که به‌دنبال سیاست‌های کلان منطقه‌ای پان‌ترکی و پان‌تورانی است و قلب تپنده‌ی چنین جریان‌هایی است و از طرفی جمهوری آذربایجان که رسمی و غیر رسمی به‌دنبال تحریک آذری‌نشین‌های ایران است و حتی ادعای الحاق سرزمینی نسبت به استان‌های آذری‌نشین ایران دارد. این امر و بار تاریخی آن به‌خصوص قضیه‌ی فرقه‌ی دموکرات آذربایجان و به نوعی جدایی موقت استان‌های آذری‌نشین ایران پس از جنگ دوم جهانی شدت حساسیت را نسبت به ایجاد و احداث چنین کریدوری بسیار بالا برده است؛ تا جایی که اگر این کریدور برای مثال در مناطق دیگر نزدیک به مرزهای ایران احداث می‌شد، چنین سروصدایی نمی‌کرد. این نکات را گفتیم که متوجه اصل قضیه باشیم و نگاهی واقع‌گرایانه به مسئله بیاندازیم و به‌خاطر احتیاط بیش از حد به دامان نظریه‌های توطئه‌محور گرفتار نشویم. زیرا در غیر این صورت نه تنها دیگر نمی‌توان از معایب چنین کریدوری جلوگیری کرد و آنها را در نطفه خفه کرد، بلکه حتی نمی‌توان از مزایای این کریدور بهره برد و بنابراین فرصت‌ها از دست می‌رود و معایب آن را تشدید و به فعلیت و عینیت می‌رساند. بنابراین هدف ما در این یادداشت اشاره به همه‌ی جنبه‌های سلبی احتمالی و واقعی و شناسایی آنها در راستای تأمین منافع ملی ایران است.

بخش اول: جنبه‌های سلبی (تهدیدات) کریدور زنگزور

- تهدیدات کلان ناشی از مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای :

نخستین و بزرگترین تهدیدی که از جانب چین کریدوری می‌تواند علیه منافع ملی ایران مطرح باشد و نه تنها ایران که موقعیت کل کشورهای منطقه، به‌ویژه قفقاز را به مخاطره اندازد، مداخله‌ی قدرت‌های بیگانه از فضا است. اگر در درجه‌ی نخست کل منطقه‌ی جنوب غرب آسیا و در درجه‌ی دوم منطقه‌ی قفقاز را یک کل همگن برشماریم که یک فضای مکانی معین و خاص خود را شکل می‌بخشد که با سایر مناطق، مکان‌ها و فضاهای دیگر نقاط دنیا متمایز و دارای ریشه‌های تاریخی، سیاسی و فرهنگی مشترک در یک جغرافیای مشترک هستند، پس کشورهای ساکن این منطقه نسبت به این مکان دارای حس مکان‌مندی و فضا‌مندی هستند. از طرفی کشورهای خارج از این منطقه، بیگانه نسبت به این مکان محسوب می‌شوند. بنابراین، حق مداخله در این منطقه تنها برای کشورهای هم‌مکان محفوظ می‌ماند؛ چراکه علاوه بر حق سرزمینی و منطقه‌ای نسبت به فضای خود، تنها آنها هستند که نسبت به فضایی که در آن ساکن هستند خو می‌گیرند و می‌توانند در آن زیست منطقی داشته باشند. در غیر این صورت و در صورت مداخله‌ی نیروهای خارجی و بیگانه نسبت به این فضا، این فضا با تداخل همراه می‌شود و جو آن متشنج خواهد شد؛ چراکه نه حقی نسبت به آن دارند و نه با سازوکارهای منطقه آشنا هستند.

اگر ایجاد و احداث کریدور زنگزور تنها از طرف کشورهای هم‌مکان و به اصطلاح کشورهای منطقه‌ای صورت گیرد و در همین سطح منطقه‌ای بماند، نه تنها مضر نیست و تهدیدی علیه منافع ایران و سایر کشورهای منطقه محسوب نمی‌شود، بلکه چون در جهت هم‌مکانی بیشتر کشورهای منطقه گام برمی‌دارد و آنها را به یکدیگر نزدیک‌تر می‌کند، بسیار مفید و حتی ضروری است. اما مداخله‌ی قدرت‌های بیگانه در این فضا، منجر به تضعیف حق سرزمینی کشورهای منطقه و تقویت جنبه‌ی یونیورسال آن خواهد شد. ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، ناتو، رژیم اسرائیل و چین هر کدام سهمی در این پروژه دارند. آمریکا نقش سیاسی-امنیتی و مهار ایران و روسیه را دنبال می‌کند. اتحادیه اروپا با سرمایه‌گذاری اقتصادی و کاهش وابستگی به انرژی روسیه، درگیر این مسیر است. ناتو از منظر امنیتی و اطلاعاتی آن را بخشی از نقش ترکیه می‌بیند. اسرائیل به دنبال نفوذ امنیتی و داشتن مرزی نمادین با ایران است. چین نگاه اقتصادی و تنوع‌بخشی مسیرهای حمل‌ونقل دارد. روسیه نیز نگران کاهش نفوذ خود برارمنستان است.

- تهدیدات بالفعل برای ایران

نخستین تهدید بالفعل، برای منافع ایران که ملموس به نظر می‌رسد، تضعیف مرز ایران و ارمنستان و در نهایت تضعیف مرز ایران با قفقاز، روسیه و اروپاست. این کریدور عملاً می‌تواند کنترل مسیر ارتباطی نخجوان-آذربایجان را به دست ترکیه و باکو بسپارد و مرز مستقیم ایران و ارمنستان را کوتاه یا بی‌اثر کند. ایران در حال حاضر از این مرز به‌عنوان تنها راه ارتباط زمینی با قفقاز شمالی، ارمنستان و از آنجا به روسیه و اروپا استفاده می‌کند.

دومین تهدید، قطع و یا حتی کاهش نقش ترانزیتی برای ایران خواهد بود. در صورت فعال شدن کریدور، بخشی از ترانزیت کالا از ایران به ارمنستان و بالعکس به مسیر مستقیم ترکیه-آذربایجان منتقل می‌شود و مبادلات دوطرفه‌ی ایران-ارمنستان، واسطه پیدا می‌کند. در این صورت هرگونه مبادله‌ی ایران با ارمنستان یا شمال قفقاز می‌تواند زیر نفوذ باکو-آنکارا قرار گیرد. کاهش نقش ترانزیتی همچنین منجر به این می‌شود که ایران در پروژه‌های حمل‌ونقل اوراسیا و سایر پروژه‌های حمل‌ونقل شرقی-غربی و بین‌المللی همانند جاده‌ی ابریشم، نقش واسطه‌گری‌اش کاهش پیدا کند. علاوه بر آن، این امر منجر به از دست دادن بخشی از درآمدهای گمرکی و ترانزیتی به دلیل انتقال جریان کالا به مسیرهای جایگزین خواهد شد.

تهدید سوم، افزایش فشار ژئوپلیتیکی ترکیه و آذربایجان بر ایران خواهد بود. حضور مستقیم ترکیه در جنوب ارمنستان و سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان به معنی ورودش به حوزه‌ی سنتی نفوذ ایران است؛ حوزه‌ای که سابقاً تنها در میان ایران، ارمنستان و جمهوری آذربایجان مطرح بود. این امر می‌تواند به محاصره‌ی نسبی ایران از شمال غرب منجر شود و جبهه‌ی ترکی-آذری علیه ایران ملموس‌تر به نظر بیاید.

دارای مجوز رسمی به شماره: ۱۰۰۴۸۶ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

این مسئله منجر به **تهدید چهارم** یعنی تغییر موازنه‌ی امنیتی مرزهای شمال غرب خواهد شد. ایجاد مسیر تحت کنترل ترکیه-باکو، امکان استقرار نیروهای نظامی، امنیتی یا حتی سرویس‌های اطلاعاتی در فاصله‌ی بسیار نزدیک به مرز ایران را فراهم می‌کند. به زبانی دیگر، حضور سرمایه‌ها با خود بازوهای نظامی-امنیتی-اطلاعاتی را نیز می‌آورد.

تهدید دیگری نیز وجود دارد که به‌عنوان تهدید پنجم مطرح می‌شود: تضعیف نقش ایران در مسیر زمینی میان نخجوان-آذربایجان و مسیر زمینی میان ترکیه-آذربایجان. در واقع، ایران جایگاه خود را به‌مثابه‌ی یک نقش واسطه‌ای از دست می‌دهد، در حالی که این روابط در گذشته می‌توانست تحت کنترل ایران باشد. این همان امتداد پیوسته‌ی سرزمین‌های ترک‌زبان و غیر ترک‌زبان از ترکیه تا آسیای مرکزی بدون نیاز به عبور از ایران است.

– تهدیدات بالقوه و بلندمدت

دسته‌ی دوم از تهدیدات شامل تهدیدات بالقوه یعنی تهدیدات احتمالی، راهبردی و بلندمدت خواهد بود. این تهدیدات ممکن است هرگز به منصفه‌ی ظهور نرسند و فعلیت نیابند، اما همواره به‌مثابه‌ی سایه‌ی تهدید بر سر منافع ایران خواهند بود و اشاره و توجه به آنها برای به‌تعمیق انداختن و یا جلوگیری از وقوع آنها ضروری است.

نخستین تهدید از این دست، محاصره‌ی ژئوپلیتیکی ایران و از دست رفتن جایگاه برتر ایران در منطقه است. در صورت تکمیل پروژه‌ی زنگزور و پروژه‌های بعدی‌ای که در راستای آن احداث می‌شوند، پروژه‌ی پان‌ترکیسم نیز دوچندان قوت می‌گیرد. این پروژه که ابعادی سرزمینی نظیر آناتولی، قفقاز شمالی و جنوبی و تمامی آسیای مرکزی و شمال‌غرب ایران را در بر می‌گیرد، تهدیدی بالقوه برای ایران به‌شمار می‌رود. از آنجا که این پروژه به‌طور جدی و بیشتر از سمت ترکیه حمایت و تأمین می‌شود و ترکیه نیز راه ارتباطی مستقیمی با جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی ندارد، کریدور زنگزور می‌تواند این امر و هدف را برای ترکیه تحقق بخشد. این مسیر خط عرضی مستقیمی از ترکمنستان در شمال‌شرق تا ترکیه در شمال‌غرب ایران ترسیم می‌کند که ایران را از این جهات مسدود و محاصره خواهد کرد. در وهله‌ی نخست، نفوذ سیاسی-فرهنگی ایران در قفقاز و آسیای مرکزی تهدید می‌شود و در وهله‌ی دوم ترک‌ها و آذری‌های ایران تحریک خواهند شد. خطر تغییر بافت جمعیتی و فرهنگی منطقه نیز دوچندان می‌شود و تقویت ارتباط ترکیه و جمهوری آذربایجان می‌تواند زمینه‌ی نفوذ ایدئولوژی پان‌ترکی و تغییر توازن فرهنگی-هویت‌ی در مناطق ترک‌زبان ایران را فراهم آورد. برای مثال، افزایش تبادلات فرهنگی-رسانه‌ای ترکیه و آذربایجان با مناطق ترک‌زبان ایران می‌تواند بر هویت ملی اثرگذار باشد. همزمان با احداث و ایجاد کریدور زنگزور، وزن و جایگاه ژئوپلیتیکی ایران کاهش یافته و از طرفی وزن ژئوپلیتیکی ترکیه در معادلات قفقاز، آسیای مرکزی و اوراسیا افزایش می‌یابد. می به شماره: ۱۰۰۴۸۶ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تهدید دوم از این دست، تضعیف ابتکارهای ایران در کریدور شمال-جنوب است. ایران در حال توسعه‌ی مسیر چابهار-بندر انزلی-روسیه است. کریدور زنگزور می‌تواند بخشی از بار ترانزیتی منطقه را از این مسیر منحرف کند و به مسیر ترکیه-باکو-روسیه بدهد. هرچند احتمال این تهدید کم است، اما در آینده ممکن است شرایطی پیش آید که خطر این تهدید را برای ایران پررنگ‌تر کند.

تهدید سوم، حضور مستقیم نیروهای نظامی، امنیتی، اطلاعاتی و انتقال تجهیزات و تدارکات نظامی و جنگی به نزدیکی مرز ایران از طرف ایالات متحده، ناتو، ترکیه به‌عنوان عضوی از ناتو و رژیم اسرائیل است. در صورت تشدید وقوع جنگ یا رخ دادن جنگ، این مسئله می‌تواند برای منافع ایران بسیار مخاطره‌آفرین باشد.

تهدید چهارم، وابستگی خواسته یا ناخواسته‌ی ارمنستان به محور ترکی-آذری و غرب است. ارمنستان به‌عنوان تنها کشور قفقاز که احتمال تضاد منافع آن با ایران بسیار کمتر از سایرین است و وجود آن برای ایران از بسیاری از جهات مهم است، به‌یک‌باره و تحت فشار محاصره می‌تواند به‌طور کلی از حوزه‌ی نفوذ ایران خارج شود و روابطش با ایران دچار محدودیت گردد. همچنین در صورت کاهش نیاز ارمنستان به مرز ایران (به‌واسطه‌ی اتصال از جنوب به ترکیه-آذربایجان)، انگیزه‌اش برای همکاری استراتژیک با ایران کاهش می‌یابد و ممکن است به سمت اروپا و ناتو متمایل تر شود.

به‌طور کلی، کریدور زنگزور برای ایران هم‌زمان زیان‌های اقتصادی (کاهش ترانزیت و درآمد)، ژئوپلیتیکی (محاصره نسبی)، امنیتی (حضور ترکیه-ناتو نزدیک مرز) و فرهنگی-هویتی دارد. زیان‌های بالفعل بیشتر در قالب کاهش نقش ترانزیتی و محدود شدن مرز با ارمنستان نمود پیدا می‌کنند، اما زیان‌های بالقوه به‌مراتب خطرناک‌ترند؛ چون می‌توانند جایگاه ژئوپلیتیک ایران در قفقاز و حتی اوراسیا را به‌طور ساختاری تضعیف کنند. بزرگترین تهدید، تثبیت یک مسیر فراملی-یونیورسال با شرایط خارج از کنترل ایران است که می‌تواند در آینده به یک منطقه‌ی عبور آزاد شبیه دالان‌های بین‌المللی تبدیل شود و این امر بهانه‌ای برای مداخله‌ی همه‌جانبه‌ی بیگانگان و ابرقدرت‌ها در منطقه فراهم کند.

بخش دوم: جنبه‌های ایجابی (فرصت‌ها) کریدور زنگزور

ایدی کریدور زنگزور، اگر نه به‌مثابه تهدید بلکه به‌عنوان یک امکان مورد واکاوی قرار گیرد، افق‌های تازه‌ای را در نسبت ایران با محیط پیرامونی و ساختارهای منطقه‌ای و بین‌المللی پیش روی ما می‌گذارد. در چارچوب «امر سیاسی» به معنای شناسایی و تمایز دوست از دشمن، این کریدور می‌تواند بستری باشد که در آن خطوط خصومت پیشین دچار انعطاف و بازتعریف شوند و روابطی شکل بگیرد که به جای بازتولید تنش، امکان همکاری و هم‌افزایی را پدید آورد. چنین نگاهی به معنای نفی کامل مخاطرات نیست، بلکه در پی آن است که در دل همان مخاطرات، ظرفیت‌هایی برای ارتقای جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بیابد.

این امر وقتی با مفهوم «فضا» در جغرافیای سیاسی پیوند می‌خورد، به ما یادآوری می‌کند که فضا نه صرفاً بستر مادی جابه‌جایی، بلکه مجموعه‌ای از روابط، نیروها و شبکه‌هاست که می‌توان آنها را به‌گونه‌ای سازمان داد که منافع ملی را تقویت کند. اگر فضا را نه به‌عنوان ظرفی خنثی بلکه به‌مثابه پیکره‌ای زنده و دارای جهت‌گیری ببینیم، کریدور زنگزور می‌تواند یکی از مسیرهای بازتنظیم این پیکره باشد. ایران، به‌عنوان کشوری که هم‌زمان به

خلیج فارس، آسیای مرکزی، قفقاز و مدیترانه تاریخی پیوند دارد، با مشارکت فعال در طراحی و مدیریت این کریدور می‌تواند پیوندهای فضایی خود را از حالت عمودی صرف (شمال-جنوب) به حالتی ترکیبی (شمال-جنوب و شرق-غرب) گسترش دهد. چنین گسترشی، در نگاه اول صرفاً جغرافیایی به نظر می‌رسد، اما در لایه‌های عمیق‌تر به معنای افزایش ظرفیت چانه‌زنی ایران در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی است. در شرایطی که اغلب طرح‌های ترانزیتی موجود در پیرامون ایران یا برای دور زدن این کشور طراحی شده‌اند یا حضور آن را به حداقل رسانده‌اند، ورود فعالانه به کریدور زنگزور می‌تواند الگویی متفاوت را رقم بزند: الگویی که به جای حذف ایران، آن را به یکی از حلقه‌های کلیدی در زنجیره‌های منطقه‌ای بدل کند. حتی اگر مبدأ و مقصد این کریدور خارج از مرزهای ایران باشد، نقش ایران در تضمین امنیت، پایداری و کارآمدی آن می‌تواند به عاملی بدل شود که بدون همکاری تهران، مسیر کارکرد کامل خود را از دست بدهد. این وابستگی متقابل، هرچند نسبی و قابل تغییر است، اما در کوتاه و میان‌مدت می‌تواند موازنه‌ای ایجاد کند که به نفع ایران عمل کند.

- فرصت‌های اقتصادی

از منظر اقتصاد سیاسی، کریدور زنگزور فرصتی برای تنوع‌بخشی به مسیرهای ترانزیتی ایران فراهم می‌کند. وابستگی به یک یا دو محور ترانزیتی اصلی، آسیب‌پذیری کشور را در برابر تحریم‌ها، بحران‌های سیاسی یا حوادث طبیعی افزایش می‌دهد. اتصال غیرمستقیم ایران به این کریدور، امکان ایجاد شاخه‌های فرعی را فراهم می‌آورد که می‌توانند کالاها و خدمات ایرانی را به بازارهای قفقاز، دریای سیاه و حتی شرق اروپا برسانند، بی‌آنکه همه مسیر تحت فشار یا کنترل یک قدرت خاص باشد. این اتصال می‌تواند از طریق توافقات سه یا چندجانبه با ارمنستان، آذربایجان یا حتی ترکیه عملی شود، مشروط بر آنکه ایران جایگاه خود را به‌عنوان تسهیل‌گر و شریک ضروری تثبیت کند.

دارای مجوز رسمی به شماره: ۱۰۰۴۸۶ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

- فرصت‌های ژئوپلیتیکی

در بعد ژئوپلیتیک، مشارکت ایران در این کریدور می‌تواند به ابزاری برای کاهش انزوای منطقه‌ای و ایجاد پیوندهای جدید بدل شود. حضور رسمی و شفاف ایران در مدیریت بخشی از امنیت یا لجستیک این مسیر، به این کشور اجازه می‌دهد که حتی با بازیگرانی که در حوزه‌های دیگر با آنها اختلاف دارد، یک میدان همکاری مشخص و قابل مدیریت داشته باشد. این میدان همکاری، اگر به‌درستی طراحی و از نظر دیپلماتیک هدایت شود، می‌تواند کانال‌های ارتباطی را حتی در زمان اوج بحران باز نگه دارد. تجربه نشان داده است که مسیرهای ترانزیتی و تجاری

مشترک، هر چند به تنهایی ضامن صلح نیستند، اما هزینه‌های رویارویی را افزایش داده و فضا را برای گفت‌وگو باز می‌کنند.

- فرصت‌های فرهنگی و اجتماعی

بعد فرهنگی و اجتماعی نیز در این نگاه ایجابی اهمیت دارد. کریدور زنگزور، با تسهیل رفت‌وآمد میان مردمان منطقه، می‌تواند بستری برای گسترش دیپلماسی فرهنگی ایران باشد. پیوندهای تاریخی، زبانی و مذهبی ایران با بخش‌هایی از قفقاز جنوبی، در صورت برنامه‌ریزی هدفمند، می‌تواند در قالب مبادلات دانشگاهی، گردشگری، تولیدات رسانه‌ای و برنامه‌های فرهنگی تقویت شود. چنین حضوری، نه تنها قدرت نرم ایران را در منطقه افزایش می‌دهد، بلکه در بلندمدت می‌تواند به ابزاری برای کاهش تأثیر جریان‌های رقیب بر هویت و فرهنگ جوامع همجوار بدل شود.

- فرصت‌های امنیتی

چنانچه ایران از ابتدای فرایند شکل‌گیری و عملیاتی شدن کریدور زنگزور، حضور خود را نه به‌عنوان ناظر بیرونی بلکه به‌عنوان شریک مؤثر تعریف کند، امکان مداخله سازنده در تعیین قواعد بهره‌برداری از مسیر فراهم می‌شود. این قواعد می‌توانند شامل مسائل امنیت مرزی، استانداردهای گمرکی، تعرفه‌های عبور و حتی شرایط ترانزیت کالاهای خاص باشند. حضور فعال در تنظیم این قواعد، ایران را از جایگاه کشوری که صرفاً باید با پیامدهای طرح کنار بیاید، به جایگاه کشوری که بخشی از طراحی و جهت‌دهی آن را بر عهده دارد ارتقا می‌دهد. چنین موقعیتی نه تنها ظرفیت ایران برای حفاظت از منافع اقتصادی‌اش را افزایش می‌دهد، بلکه ابزارهایی برای مدیریت پیامدهای ژئوپلیتیکی و امنیتی فراهم می‌آورد. افزون بر این، مشارکت ایران در این مسیر می‌تواند به ایجاد پیوندهای چندلایه با همسایگان شمالی منجر شود؛ پیوندهایی که تنها به سطح رسمی دولت‌ها محدود نباشد، بلکه شبکه‌های تجاری، اتاق‌های بازرگانی، شرکت‌های حمل‌ونقل و بازیگران محلی را نیز دربر گیرد. تجربه مسیرهای مشابه در دیگر نقاط جهان نشان داده است که وقتی یک کشور در لایه‌های مختلف رسمی و غیررسمی با همسایگان خود به همکاری اقتصادی و لجستیکی می‌پردازد، حتی تغییرات سیاسی یا فشار قدرت‌های بزرگ نیز نمی‌تواند به‌سادگی این روابط را قطع کند.

- بازتعریف نقش ایران در زنجیره تأمین

این کریدور می‌تواند فرصتی برای بازتعریف نقش ایران در زنجیره تأمین منطقه‌ای باشد. تاکنون بخش بزرگی از صادرات و واردات ایران به بازارهای قفقاز جنوبی از مسیرهای محدود و بعضاً پرهزینه انجام می‌گرفته است. ایجاد

اتصال فرعی یا مکمل به زنگزور، با کاهش هزینه حمل و نقل و زمان ترانزیت، می‌تواند قدرت رقابتی کالاهای ایرانی را در این بازارها افزایش دهد. این امر به‌ویژه در حوزه‌هایی که ایران مزیت نسبی دارد - مانند مصالح ساختمانی، محصولات کشاورزی، انرژی و خدمات فنی و مهندسی - قابل توجه خواهد بود. همچنین، دسترسی به کریدوری که به اروپا ختم می‌شود، حتی اگر مستقیم نباشد، پیام مثبتی به شرکای تجاری بالقوه ارسال می‌کند و ایران را به‌عنوان بخشی از شبکه حمل و نقل چندمسیره منطقه معرفی می‌نماید. استفاده هوشمندانه از کریدور زنگزور می‌تواند به کاهش فشار ناشی از پروژه‌های حذف‌کننده ایران کمک کند. تاکنون، مسیرهای جایگزین طراحی شده در پیرامون ایران عمدتاً برای دور زدن این کشور بوده است، اما اگر ایران بتواند در یک یا چند نقطه از این مسیر نقش بگیرد، حتی اگر این نقش فرعی باشد، دیگر نمی‌توان به‌سادگی آن را از معادله کنار گذاشت.

- توسعه محلی و منطقه‌ای

نباید فراموش کرد که هر مسیر ترانزیتی جدید، امکان شکل‌گیری مناطق اقتصادی ویژه و کانون‌های توسعه محلی را به‌وجود می‌آورد. شهرها و استان‌های شمال‌غرب ایران که در نزدیکی مرز ارمنستان و آذربایجان قرار دارند، می‌توانند با اتصال به این مسیر، از حاشیه‌نشینی اقتصادی خارج شوند و به مراکز فعال لجستیکی، صنعتی و خدماتی بدل گردند. این تحول، علاوه بر منافع ملی، از نظر توسعه متوازن سرزمینی نیز اهمیت دارد و می‌تواند به کاهش فشار مهاجرت از این مناطق به کلان‌شهرها کمک کند.

بخش سوم: حرکت از ظرفیت بالقوه به بالفعل

تبدیل ظرفیت‌های بالقوه کریدور زنگزور به منافع بالفعل برای ایران، مستلزم آن است که سیاست‌گذاری این مسیر نه به‌صورت واکنشی و موردی، بلکه در قالب یک استراتژی چندلایه و زمان‌بندی شده طراحی شود. نخستین گام در این مسیر، تعریف دقیق جایگاه ایران در شبکه بازیگران کریدور است. این جایگاه باید بر اساس تحلیل دقیق روابط موجود، نقاط قوت و ضعف کشور، و همچنین برآورد واقع‌بینانه از توانایی تأثیرگذاری ایران بر روندهای منطقه‌ای تعیین شود. چنین تحلیلی باید از دام خوش‌بینی افراطی یا بدبینی مطلق بپرهیزد و بر مبنای ارزیابی مستند از تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی شکل گیرد.

در این چارچوب، یکی از راهبردهای کلیدی می‌تواند «پیوندزنی» میان کریدور زنگزور و پروژه‌های زیرساختی موجود یا در حال اجرا در ایران باشد. برای مثال، اگر شاخه‌های فرعی این کریدور بتوانند به شبکه راه‌آهن یا بزرگراه‌های ترانزیتی ایران متصل شوند، موقعیت ایران از یک کشور مجاور صرف به یک حلقه پیوندی ضروری ارتقا می‌یابد. این اتصال می‌تواند به‌گونه‌ای طراحی شود که حتی در صورت تغییر شرایط سیاسی میان بازیگران

اصلی کریدور، حذف ایران از معادله برای دیگران پرهزینه و پیچیده باشد. چنین پیوندی، در اصطلاح جغرافیای سیاسی، به معنای ایجاد «قفل فضایی» است؛ قفلی که مسیر را به حضور ایران وابسته می‌کند. همچنین لازم است ایران در حوزه سرمایه‌گذاری و مشارکت اقتصادی در بخش‌های کلیدی کریدور ابتکار عمل داشته باشد. حتی اگر در مراحل اولیه امکان تأمین مالی پروژه‌های بزرگ وجود نداشته باشد، می‌توان با سرمایه‌گذاری هدفمند در نقاط استراتژیک - مانند پایانه‌های لجستیکی، مراکز تخلیه و بارگیری یا انبارهای ذخیره - حضور ایران را در زنجیره تأمین این مسیر تثبیت کرد. این سرمایه‌گذاری‌ها معمولاً نیازمند منابع مالی بسیار کمتری نسبت به پروژه‌های زیرساختی اصلی هستند، اما وابستگی مسیر به حضور ایران را افزایش می‌دهند.

بخش چهارم: چالش‌های پنهان بهره‌برداری مثبت

هرچند کریدور زنگزور در ظاهر می‌تواند فرصت‌هایی برای ایران ایجاد کند، اما بهره‌برداری مثبت از آن با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. این چالش‌ها اگر شناسایی و مدیریت نشوند، می‌توانند حتی مزایای بالقوه کریدور را نیز از بین ببرند.

نخستین چالش، ماهیت چندبازیگری کریدور است. کریدور زنگزور تنها محدود به ارمنستان و آذربایجان یا حتی ترکیه نیست، بلکه مجموعه‌ای از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آن ذی‌نفع هستند. هر یک از این بازیگران اهداف و منافع متفاوتی دارند که گاه در تضاد با یکدیگر و با منافع ایران قرار می‌گیرد. این تنوع منافع، مدیریت کریدور را دشوار می‌کند و امکان دارد حضور ایران در میان این رقابت‌ها کم‌رنگ یا بی‌اثر شود.

چالش دوم، پویایی ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی است. این منطقه در طول تاریخ همواره محل منازعه و تعارض بوده و بعید است در کوتاه‌مدت به ثبات پایدار برسد. در چنین شرایطی، هرگونه سرمایه‌گذاری یا حضور ایران در کریدور با خطرات امنیتی و سیاسی همراه خواهد بود. وقوع جنگ جدید میان ارمنستان و آذربایجان یا مداخلات نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای می‌تواند کل مسیر را مختل کند.

چالش سوم، خطر هم‌مکانی منفی برای ایران است. اگر ایران به‌عنوان شریک فعال و سازنده وارد کریدور نشود، ممکن است دیگر بازیگران منطقه، به‌ویژه ترکیه و جمهوری آذربایجان، حضور ایران را نه به‌عنوان مکمل بلکه به‌عنوان رقیب یا مانع ببینند. در این صورت، به‌جای اینکه کریدور به تقویت هم‌مکانی ایران با همسایگانش منجر شود، شکاف‌ها و رقابت‌های ژئوپلیتیکی را افزایش خواهد داد.

چالش چهارم، ضعف زیرساختی و لجستیکی داخلی ایران است. حتی اگر ایران بخواهد از فرصت‌های زنگزور بهره‌بردار، باید بتواند مسیرهای داخلی خود را به این کریدور متصل کند. کمبود خطوط راه‌آهن، جاده‌های استاندارد و پایانه‌های مجهز می‌تواند باعث شود که ایران در عمل نتواند از این ظرفیت استفاده کند و صرفاً نظاره‌گر عبور کالاها از مسیرهای دیگر باشد.

چالش پنجم، رقابت مسیرهای موازی شرق-غرب و شمال-جنوب است. ایران تاکنون بیشتر بر کریدور شمال-جنوب تمرکز داشته و سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود را بر آن استوار کرده است. ورود به کریدور زنگزور بدون هماهنگی با این مسیرها می‌تواند به نوعی تعارض منافع منجر شود. همچنین، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای برای تسلط بر مسیرهای مختلف ممکن است ایران را در وضعیتی قرار دهد که مجبور به انتخاب‌های دشوار شود.

چالش ششم، خطر نفوذ بیش‌ازحد قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. هرچند حضور آنها در پروژه‌های زیرساختی و امنیتی می‌تواند به جذب سرمایه و ثبات نسبی کمک کند، اما تجربه نشان داده است که این حضور معمولاً با اهداف ژئوپلیتیکی بلندمدت همراه است. اگر ایران نتواند نقش خود را به‌درستی تعریف و تثبیت کند، ممکن است به حاشیه رانده شود و حتی در داخل مرزهایش نیز با فشارهای امنیتی و سیاسی مواجه گردد.

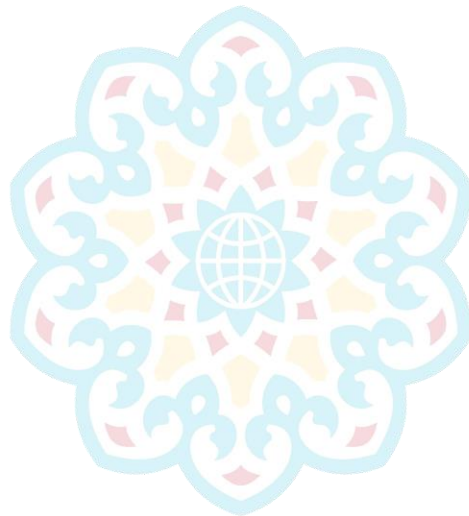
جمع‌بندی

کریدور زنگزور پدیده‌ای است که همزمان با تهدیدات بالفعل و بالقوه، فرصت‌های ژئوپلیتیکی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی را نیز برای ایران به همراه دارد. بی‌شماره: ۱۰۰۴۸۶ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

از منظر تهدیدات، مهم‌ترین زیان‌های بالفعل شامل تضعیف مرز ایران-ارمنستان، کاهش نقش ترانزیتی ایران و افزایش فشار ژئوپلیتیکی ترکیه و آذربایجان است. در سطح بالقوه نیز خطر محاصره ژئوپلیتیکی ایران، تقویت پان‌ترکیسم، تضعیف ابتکارهای ایران در کریدور شمال-جنوب، وابستگی ارمنستان به محور ترکی-آذری-غربی و حضور مستقیم قدرت‌های خارجی در نزدیکی مرز ایران مطرح است. در مقابل، فرصت‌های این کریدور را می‌توان در چند دسته بررسی کرد: فرصت‌های ژئوپلیتیکی شامل ارتقای جایگاه ایران از بازیگری واکنشی به کنشگری راهبردی و افزایش ظرفیت چانه‌زنی در سطح منطقه‌ای؛ فرصت‌های اقتصادی شامل تنوع‌بخشی به مسیرهای ترانزیتی، گسترش پیوندهای اقتصادی پایدار با قفقاز و افزایش رقابت‌پذیری کالاهای ایرانی؛ فرصت‌های امنیتی

شامل مشارکت در تأمین امنیت مسیر و افزایش نظارت بر رفت‌وآمدهای مرزی؛ و فرصت‌های فرهنگی و اجتماعی شامل گسترش دیپلماسی فرهنگی ایران و تقویت قدرت نرم.

نتیجه‌گیری این است که ایران نباید کریدور زنگرور را صرفاً تهدید ببیند و نه فقط فرصت. بهترین رویکرد، سیاست‌گذاری چندلایه و متوازن است: شناسایی و مدیریت تهدیدات در کنار بالفعل کردن فرصت‌ها. بزرگ‌ترین خطر برای ایران این است که کریدور به مسیری فراملی و خارج از کنترل تبدیل شود؛ در حالی که بزرگ‌ترین فرصت آن ارتقای جایگاه ژئوپلیتیکی و تقویت سرمایه فضایی ایران در منطقه خواهد بود. بنابراین، حضور فعال، هوشمندانه و منعطف ایران در این پروژه می‌تواند تهدیدات را کاهش داده و فرصت‌ها را به دستاوردهای واقعی برای منافع ملی بدل کند.



مرکز آینده پژوهی جهان اسلام

Islamic World Future Research center

دارای مجوز رسمی به شماره: ۱۰۰۴۸۶ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری